



University of Tabriz

# Contemporary Comparative Legal Studies

Online ISSN: 2821-0514

Volume: 14 Issue: 31

Summer 2023

Article Type: Research Article

Pages: 83-111

## An Investigation into the Nature of the Right to Vote in Light of Strengthening the Theoretical Foundations of Urban and Rural Islamic Councils' members' Election Rights

Ali Akbar Terman<sup>1✉</sup> | Seyyed Hossein Malakooti Hashjin<sup>2</sup>

1. Ph.D. Candidate in Public Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Iran

aliakbarterman@gmail.com

2. Assistant Professor, University of Tabriz, Iran

malakooti@tabrizu.ac.ir

### Abstract

*The Constitution recognizes the right to vote to protect the rights of the nation in the administration of affairs and to protect the principles and values of the rule of religious democracy in the elections of councils. Every citizen has the right to run for elected councils. In the implementation of the rule of law, the conditions for a citizen to be elected are determined by the legislature, respecting the rights of individuals. However, achieving the behavioral aspects of the candidacy with selectable conditions such as belief and moral competence in the process of reviewing the qualifications, causes controversy and deprives the citizen of the right to be elected. The questions are what the nature of the right to vote is and what the capacities and guarantees of the principles of the right to be elected in the legal system of Islamic council elections are. The purpose of this study was to examine the nature of suffrage by looking at strengthening the theoretical foundations of the right of individuals to be elected to elected positions, which has been studied and evaluated in a descriptive and analytical manner by focusing on the constitutional capacities. Findings show that the true expression of criteria (appropriate to the requirements), accurate determination of indicators of voluntary conditions and the development of a specialized procedure with the supremacy of the rights of the nation in the constitution, can lead to the realization of the right to self-determination, removal of obstacles, selectivity, and development of public participation in local affairs.*

**Keywords:** *Elections of Urban and Rural Islamic Councils, Constitution, the Right to be Elected, Ineligibility, the Right to Vote, Qualification of Candidacy.*

Received: 2021/12/11 Received in revised form: 2022/12/31 Accepted: 2023/01/22 Published: 2023/06/26

DOI: 10.22034/LAW.2023.40448.3046

Publisher: University of Tabriz

Tabrizulaw@gmail.com



## ناملی بر مفهوم حق رأی با رویکرد ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا در پرتو قانون اساسی

علی اکبر ترمان<sup>۱</sup> | سیدحسین ملکوتی هاشجین<sup>۲</sup>

aliakbarterman@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

malakooti@tabrizu.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه تبریز، ایران

### چکیده

حق رأی پاسداشت حقوق ملت در اداره امور و صیانت از حق حاکمیت مردم سالاری است و قانون اساسی آن را با عنوان حق مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش به رسمیت شناخته است. هر شهروندی حق دارد خود را به منظور انتخاب شدن در شوراهای اسلامی نامزد کند و دیگران هم می‌توانند به او رأی دهند. قانون‌گذار می‌تواند در اجرای حاکمیت قانون، شرایط داوطلبان شوراهای اسلامی را با رعایت حقوق افراد تعیین کند، ولی این‌گونه شرایط نمی‌تواند برخلاف قانون اساسی باشد. نظارت بر شرایط داوطلبی به‌عهد نمایندگان مجلس شورای اسلامی است و کسی را نمی‌توان بدون مستند قانونی و دلیل معتبر از حق انتخاب شدن محروم کرد. با اینکه احراز جنبه‌های رفتاری نامزدی با شرایط کیفی ایجابی ماده ۳۰ قانون انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در مراحل رسیدگی بر صلاحیت داوطلبان، موجب بحث در انتخابات و مسائلی در خصوص حق انتخاب شدن شهروندان می‌شود، پرسش این است که مفهوم حق رأی و مبانی حق انتخاب شدن در نظام حقوقی انتخابات شوراهای چیست و از چه قابلیت قانونی برخوردار است؟ نگارندگان این پژوهش با تمرکز بر ظرفیت‌های قانون اساسی، مفهوم حق رأی را با رویکرد تقویت مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای شوراها به روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، اگر معیارها و شاخص‌های شرایط داوطلبی و آیین رسیدگی تخصصی مطابق با حقوق ملت، تفوق اصول قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات انجام پذیرد، می‌تواند به تقویت اعمال حاکمیت مردم بر تعیین سرنوشت خویش، رفع ابهام از حق انتخاب‌پذیری شهروندان و توسعه مشارکت عمومی در امور محلی منجر گردد.

**واژگان کلیدی:** احراز صلاحیت نامزدی، انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، انتخاب‌ناپذیری، قانون

اساسی، ماهیت محرومیت از نمایندگی مردم، مبانی حق انتخاب شدن، مفهوم حق رأی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

DOI: 10.22034/LAW.2023.40448.3046

Tabrizulaw@gmail.com

ناشر: دانشگاه تبریز

## مقدمه

مردم به عنوان صاحبان اصلی قدرت در نظام مردم‌سالاری، حاکمان را انتخاب و بر عملکرد آنان نظارت می‌کنند.<sup>۱</sup> دخالت مردم در تعیین نمایندگان و متصدیان امور محلی تنها منحصر به رأی دادن نیست، آنان حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی شوراها را هم دارند. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن با عنوان حق رأی کامل در اختیار شهروندان قرار دارد.<sup>۲</sup> تا اراده آزاد مردم به صورت همگانی در انتخابات آزاد و منصفانه بیان شود، تحقق مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش با اعمال حق رأی فردی شهروندان امکان‌پذیر است و قانون اساسی با عنوان میثاق ملی و دینی جامعه، آن را در انتخابات شوراها برای همه افراد ملت به رسمیت شناخته است.<sup>۳</sup> هر شهروندی حق دارد برای تصدی مناصب انتخابی شوراهای اسلامی شهر و روستا، خود را نامزد نمایندگی مردم کند و سایر مردم هم می‌توانند به او رأی دهند. شوراهای اسلامی شهر و روستا از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند و شرایط نامزدی آنها را مجلس شورای اسلامی معین می‌کند، ولی این نوع شرایط فنی و قانونی نمی‌تواند برخلاف قانون اساسی و معیارهای شناخته‌شده حقوق بشری مورد پذیرش دولت باشد.

با اینکه حق رأی در ایران بر مبنای فقه امامیه ترسیم شده و ماهیتی متفاوت با نظام‌های حقوقی دیگر کشورها دارد، اما این حق در حوزه سیاسی و مدنی به حقوق شهروندی اختصاص دارد. حق انتخاب شدن در انتخابات شوراها از محتوای حق رأی فردی، حقوق اساسی و حق اختیاری افراد است.<sup>۴</sup> بنابراین تعیین و تشخیص شرایط داوطلبان و احراز تأیید یا عدم تأیید صلاحیت نامزدهای شوراها مطابق قانون است و کسی را نمی‌توان

۱. محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، (تهران: میزان، چ ۵، ۱۳۸۹)، ص ۵.

۲. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: میزان، چ ۱۴، ۱۳۹۵)، ص ۵۸۲.

۳. اصل‌های ۶ و ۵۶ قانون اساسی

۴. اصل ۷ قانون اساسی

۵. خیرالله پروین و مهدی نورایی، «تحلیل نظریه حق الناس در خصوص حق رأی و بررسی صلاحیت‌ها»، حکومت اسلامی، ش ۴ (۱۳۹۵)، ص ۱۲۵.

بدون موجبات قانونی از حق انتخاب شدن محروم کرد.<sup>۶</sup> اصل حاکمیت قانون ایجاب می‌کند حقوق هیچ شهروندی مورد تعرض اشخاص قرار نگیرد.

نخستین قانون انتخابات در ایران به‌دنبال صدور فرمان اول و دوم مشروطه در مجلس شورای ملی تدوین و به اشکال مختلف برگزار شد.<sup>۷</sup> شوراها پیشینه‌ای فراتر از دوران انقلاب اسلامی دارند و از مقوله نوپدید عصر حاضر نیستند. در شریعت اسلام نیز سابقه‌ای طولانی دارند، اما کمتر مورد توجه و اهتمام عمل حاکمان قرار گرفته است. توسعه و تحولات اقتصادی و اجتماعی امروزی شوراها را یک امر اجتناب‌ناپذیر کرده، به‌عنوان ارکان تصمیم‌گیری از جلوه‌های عدم تمرکز امور اداری و محلی هستند. اعضای شورا با رأی مستقیم مردم همان محل برگزیده می‌شوند و تصمیمات و دیدگاه‌های آنان یا نمایندگانشان در چارچوب قانون اعمال می‌گردد.<sup>۸</sup>

با اینکه احراز جنبه‌های رفتاری نامزدی با شرایط کیفی ایجابی مصرح در ماده ۳۰ قانون انتخابات شوراها به‌نوعی موجب محدودیت در حق رأی و مسائلی در حق انتخاب شدن شهروندان می‌شود،<sup>۹</sup> سؤال این است که مفهوم حق رأی و مبانی نظری حق انتخاب شدن در نظام حقوقی انتخابات<sup>۱۰</sup> چیست و از چه قابلیت قانونی برخوردار است؟ نگارندگان این تحقیق با تمرکز بر ظرفیت‌های قانون اساسی، مفهوم حق رأی را با رویکرد ارتقای مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای شوراها، اسلامی به روش توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد، اگر بازتعریف و بیان حقیقی معیارها (متناسب با مقتضیات)، تعیین شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی و تدوین آیین رسیدگی تخصصی (بررسی احراز صلاحیت و رسیدگی به اعتراض نامزدی) بر اساس حقوق ملت، تفوق اصول قانون اساسی و راهکار سیاست‌های کلی انتخابات صورت پذیرد،

۶. قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف به تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲۲.

۷. محمدرضا ویژه و حمید قهوه‌چیان، «تحلیلی بر نظامنامه انتخابات سال ۱۲۸۵ مجلس شورای ملی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۵ (۱۳۹۱)، ص ۲۱۸.

۸. رضا صالحی امیری و همکاران، «شوراها: چالش‌ها و کارکردها»، *پروژه‌نامه تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*، ش ۳۰ (۱۳۸۷)، ص ۹.

۹. جواد تقی‌زاده، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، *حقوق اساسی*، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۶۴.

۱۰. نظام حقوقی بر پایه اصول قانون اساسی و گزاره‌های قانونی و رویه‌های اجرایی بنیان می‌گیرند (عالی‌پور، ۱۳۹۴: ۶۳).

می‌تواند به رفع ابهام از انتخاب شدن شهروندان، تضمین و تقویت اعمال حق حاکمیت بر تعیین سرنوشت و توسعه مشارکت عامه مردم در اداره امور محلی منجر گردد.

در خصوص مبانی حق انتخاب شدن در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا پژوهش مستقلی صورت پذیرفته است، ولی در برخی از کتب یا مقالات به ماهیت حق رأی و محرومیت از حق انتخاب شدن در انتخابات سیاسی<sup>۱۱</sup> اشاره‌ای شده که اهم سوابق آنها عبارت است از:

- قاسم محمدی و محمد سلیمانی درچه (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ابعاد حقوقی اعمال حق رأی در نظام حقوقی ایران» آورده‌اند: «حق رأی در حقوق ایران وضعیتی متفاوت با نظام‌های دیگر کشورها است و اصل تلازم حق و تکلیف، اجرای آن را از امر شخصی خارج و به‌مثابه حق قانونی و تکلیف شرعی کرده است».

- سید احمد مرتضایی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «پاسخ به شبهات نظارت استصوابی با رویکرد فقهی» بیان کرده است: «استناد به اصل برائت یا اصالت صحت در بررسی صلاحیت نامزدی جای ندارد، نظارت مطلق و تأیید شورای نگهبان برای اطمینان از احراز شرایط قانونی داوطلبان است».

- محمدجواد رضائی‌زاده و محسن داوری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی» بیان کردند: «حاکمیت صالحان و حق تعیین سرنوشت از مبانی و اصول قانونی است و حاکمیت قانون، مستند و مستدل بودن، عدم صلاحیت، لزوم احراز صلاحیت و الزم و کافی بودن ابزار عینی در احراز شرایط صوری از اصولی هستند که باید در احراز صلاحیت‌ها مدنظر ناظرین باشند».

- هادی طحان نظیف و سجاد قلیچ‌پور (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی تعیین شرایط داوطلبان نمایندگی مجلس در پرتو قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات» بیان می‌دارند: «ازاینکه نمایندگان مردم باید از متخصصان و کارشناسان باتجربه

۱۱. انتخابات مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای اسلامی نیز از انتخابات سیاسی به‌شمار می‌روند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۶).

باشند، سیاست‌های کلی انتخابات، راهکاری مناسبی برای ارتقای شایسته‌گزینی است و قانون‌گذار می‌تواند به تعریف و احصای مصادیق شرایط سلبی و اصلاح شرایط عینی اقدام کند».

- اسدالله یآوری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر» گفته است: «نظارت کارآمد بر صلاحیت نامزدی عامل رقابتی بودن انتخابات و مانع ورود اشخاص فاقد شرایط قانونی است، اما شرایط اعتقادی به دلیل کلی و مبهم بودن جهت‌گیری سیاسی، مذهبی و شخصی که دارد بایستی حذف شود».

- جواد تقی‌زاده (۱۳۸۸) نیز در مقاله خود با عنوان «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه» آورده است: «موارد انتخاب‌ناپذیری مطلق در انتخابات سیاسی عمدتاً مبهم و دائمی هستند و انتخاب‌ناپذیری نسبی ملی و محلی هم گسترده است».

مطالعات انجام شده تفاوت ماهیت حق رأی در ایران و دشواری احراز صلاحیت نامزدی با شرایط کلی در انتخابات را مورد بررسی و نقد قرار داده است که بیشتر بحث‌ها بر محور تکلیف و حکمی بودن حق رأی، حذف یا تعدیل کیفیت شرایط انتخاب‌پذیری (از قبیل اعتقادی و اهلیت اخلاقی) و روش احراز تأیید یا رد صلاحیت‌ها است؛ بنابراین، برخی از این دیدگاه‌ها به دلایل زیر مورد بحث قرار گرفته است:

- نخست آنکه حق رأی در نظام حقوقی انتخابات به منزله حق قانونی و اختیاری همه افراد جامعه شناخته شده است و کسی برای اعمال آن اجبار نمی‌شود و این حق شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است.
- دوم، حذف و یا نادیده گرفتن اصول اعتقادات اسلامی و یا اهلیت اخلاقی داوطلبان شوراهای اسلامی با مبانی حاکمیت مردم‌سالاری دینی منافات دارد.
- سوم، تعیین شرایطی برای داوطلبان نمایندگی مردم در اکثر نظام‌های انتخاباتی است. آنچه موجب محدودیت نامتعارف در حق انتخاب شدن شهروندان به عنوان اعضای شوراها می‌شود، نبود معیارهای حقیقی، شاخص‌های دقیق شرایط داوطلبی

(ملاک و میزان حقیقی رفتار فردی) و آیین رسیدگی تخصصی (قواعد و روش ارزیابی عملی احراز صلاحیت «تأیید و رد» و رسیدگی به اعتراض نامزدی) است که در این مورد پژوهشی صورت نگرفته است.

نگارندگان این پژوهش با نگاهی نو به مسئله، به جای طرح مناقشه و نوع نظارت و کیفیت شرایط داوطلبی، موضوع بازتعریف و بیان حقیقی معیارها و تعیین کمیت شرایط داوطلبی و اصول حقوقی رسیدگی به صلاحیت نامزدی را در حیطه قانون اساسی به صورت کامل بررسی کرده و سپس به ارائه راهکارهای تقویت مبانی نظری حق انتخاب شدن اعضای شوراهای اسلامی پرداخته‌اند. از این رو، پس از تبیین مفهومی حق رأی، انتخاب‌پذیری، انتخاب‌ناپذیری و نظارت بر صلاحیت نامزدی، بر مبانی حق انتخاب شدن در نظام حقوقی انتخابات شوراهای، نظامات تقنینی و نیز رویه‌های نظارتی در تعیین و تطبیق و تشخیص شرایط داوطلبی مروری خواهند داشت.

## ۱. تبیین مفهومی حق رأی، انتخاب‌پذیری، انتخاب‌ناپذیری و نظارت بر صلاحیت نامزدی

اهداف و خواسته‌های متفاوت انسانی در جامعه موجب ایجاد قدرت سیاسی است تا سایر قوا را تحت شرایط خود قرار دهد.<sup>۱۲</sup> بر همین اساس، مردم به‌عنوان صاحبان اصلی حاکمیت، حق دارند در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مشارکت و در اداره امور محلی دخالت کنند. اساس نظام مردم‌سالاری بر مشارکت مردم در تعیین حق سرنوشت خویش استوار است. تحقق حاکمیت مردمی در جمهوری اسلامی<sup>۱۳</sup> با اعمال حق رأی مردم در فرایند انتخابات آزاد، رقابتی و عادلانه امکان‌پذیر است. حق انتخاب کردن در ترکیب با حق انتخاب شدن به‌عنوان حق رأی کامل محسوب می‌شود که نظام حقوقی انتخابات شوراهای آن را برای همه افراد ملت به رسمیت می‌شناسد و نظام سیاسی کشور یک نظام انتخابی است.<sup>۱۴</sup> مطابق اصل برابری و بهره‌مندی همه افراد ملت از حقوق سیاسی و اجتماعی و حق برخورداری از

۱۲. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، (تهران: دادگستر، ۱۳۷۷)، ص ۸۰.

۱۳. اصل ۵۶ قانون اساسی

۱۴. اصل ۶ قانون اساسی

امکانات و مشاغل عمومی کشور که به‌طور یکسان و برابر به شهروندان اختصاص دارد<sup>۱۵</sup>، هر شهروندی حق دارد برای تصدی مناصب انتخابی شوراها نامزد شود.

طبق دستور قرآن کریم که می‌فرماید: و امرهم شوری بینهم و شاورهم فی الامر؛ شوراهای اسلامی روستا، بخش، شهر، شهرستان، استان و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند و شرایط اختصاصی و عمومی داوطلبی اعضای شوراها را قانون معین می‌کند<sup>۱۶</sup>. شرایطی که در اجرای حاکمیت قانون با رعایت حقوق داوطلبی از حیث راهیابی افراد شایسته و توانمند و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به نهاد شوراها تعیین می‌شود، نمی‌تواند برخلاف قانون اساسی و معیارهای شناخته‌شده حقوق بشری باشد<sup>۱۷</sup>. تعیین هرگونه شرایط برای داوطلبان انتخاباتی نوعاً محدودکننده است. اصولاً قرار دادن شرایط انتخاب‌پذیری نامتعارف و غیرقابل‌ارزیابی عملیاتی در نظام انتخاباتی که مبتنی بر حاکمیت قانون است، مقبول نیست و یا وجود ابهام در احراز عملی صلاحیت‌ها در انتخابات شوراها می‌تواند مغایر با حقوق ملت در قانون اساسی باشد.

حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی شوراها ناشی از اصل حاکمیت بر تعیین سرنوشت است که هر شهروندی می‌تواند به صورت انفرادی یا گروهی خود را برای رقابت در انتخابات آزاد و سالم، نامزد<sup>۱۸</sup> شوراهای محلی بنماید. رقابت در حوزه‌های مختلف نمایانگر مطالبات واقعی مردم است که نامزدها با تحت تأثیر قراردادن افکار عمومی و شکل‌دهی آگاهی سیاسی، اعتماد رأی‌دهندگان را برای کسب کرسی شوراهای محلی جلب می‌کنند<sup>۱۹</sup>. این نوع انتخاب، تصویر صادقی از گرایش و تمایلات شهروندان است و از برخی شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور نشئت می‌گیرد. گرچه انتخابات شوراها طبق قانون در برخی حوزه‌ها می‌تواند غیررقابتی باشد<sup>۲۰</sup> که به‌نوعی ایراد بر کسب مشروعیت یا مقبولیت مردمی

۱۵. محمدجواد رضایی‌زاده و داوود کاظمی، «بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۵ (۱۳۹۱)، ص ۳۵.

۱۶. اصل ۷ قانون اساسی

۱۷. قانون اجازه الحاق دولت به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۳۵۴، مجلسین ایران

18. Candidature

۱۹. بیژن عباسی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۰)، ص ۲۰۷.

۲۰. قانون تثبیت تعداد کاندیداها در انتخابات، مصوب ۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام.



انتخابات است. انتخابات غیررقابتی باعث محدودیت بر حق انتخاب شدن و کاهش مشارکت همگانی در امور محلی خواهد شد.

### ۱.۱. مفهوم حق رأی

همان‌طور که اشاره شد، حق رأی کامل شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است. برداشت اولیه از این حق آن است که شهروند بتواند براساس ضوابط و شرایط قانونی، نماینده یا نمایندگان خود را گزینش نماید.<sup>۲۱</sup> با اینکه رأی دادن وسیله‌ای برای ابراز اراده شهروند جهت تشکیل نهادهای محلی و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها است، اما مردم حق انتخاب شدن به مناصب انتخابی شوراها را هم دارند. حق رأی از حقوق بشری جهان‌شمولی برخوردار است تا آزادی ابراز اراده رأی‌دهندگان، برگزیده‌شدگان به مناصب انتخابی و مشروعیت و مقبولیت مردمی نهادهای ملی و محلی تضمین شود.<sup>۲۲</sup> گزینش اعضای شوراها در انتخابات به صورت عمومی، مستقیم و با آرای نسبی و مخفی مردم انجام می‌پذیرد.<sup>۲۳</sup>

ماهیت حق رأی در انتخابات شوراها مبین آن است که اداره امور محلی متکی بر آرا و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت اجتماعی خویش است. متصدیان امور از سوی مردم یا نمایندگان آنان انتخاب می‌شوند و خواسته‌های عمومی در چارچوب قانون اساسی بیان می‌شود.<sup>۲۴</sup> مفهوم حق رأی از لحاظ اراده و اختیار فردی، به حق و تکلیف تقسیم شده، بر خوررداری شهروندان از این امتیاز قانونی، شامل حق انتخاب کردن و انتخاب شدن است. ماهیت این حق در نظام‌های حقوقی مورد مناقشه قرار گرفته است، اما مشروط و مقید به شرایط خاصی از جامعه نیست و هر نظام سیاسی مطابق با واقعیت و سازوکارهای اجتماعی و سیاسی خود ویژگی‌هایی را برای حق رأی بیان می‌کند.<sup>۲۵</sup> نظام حقوقی انتخابات شوراها

۲۱. ابوالفضل قاضی، پیشین، ص ۵۸۲.

۲۲. گای اس گودوین گیل، *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، ترجمه قاسم زمانی و همکار، (تهران: دانش، چ ۱، ۱۳۷۹)، ص ۱۱.

۲۳. ماده ۲۰ قانون انتخابات شوراهای اسلامی.

۲۴. علیجان حیدری و محمدجواد نوروزی، «مبانی فقهی مشارکت سیاسی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *اندیشه‌های حقوق عمومی*، ش ۱۰ (۱۳۹۵)، ص ۶۰.

۲۵. جواد تقی‌زاده، «تأملی بر حق رأی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، *حقوق اساسی*، ش ۱ (۱۳۸۲)، ص ۳۱.

آن را حق قانونی و امتیاز فردی شهروندان شناخته است و توصیه یا تکلیف شرعی برای شرکت افراد در رأی دادن و یا حضور در رقابت‌های انتخاباتی، موجب شناسایی حق رأی اجباری در ایران نیست.<sup>۲۶</sup> شرکت و عدم شرکت افراد در انتخابات حق اختیاری آنان است. اکنون حق رأی ابزاری مدرن در دست شهروندان برای اعمال حاکمیت بر تعیین سرنوشت، تکریم هویت انسانی، آزادی، امنیت و برابری است.

### ۲.۱. انتخاب‌پذیری

انتخاب‌پذیری<sup>۲۷</sup> وضعیت حقوقی کسی است که شرایط قانونی لازم برای داوطلبی در انتخابات شوراهای را داراست و می‌تواند خود را در معرض انتخاب مردم قرار دهد. شرایط انتخاب‌پذیری در اجتماع، فرصت برخورداری از حق انتخاب شدن است؛ یعنی هر شهروندی بتواند انتخاب‌شونده هم باشد. این مسئله با فلسفه حاکمیت مردم‌سالاری سازگار است و از نتایج اصل برابری مردم در برابر قانون و بهره‌مندی از تمام حقوق و امتیازات مقرر در قانون است.<sup>۲۸</sup> شرایط انتخاب‌پذیری در قانون انتخابات شوراهای از قبیل اعتقادی، علمی و شایستگی تحت عنوان شرایط ایجابی تعیین شده است که در بخش بعدی مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت.

### ۳.۱. انتخاب‌ناپذیری

انتخاب‌ناپذیری<sup>۲۹</sup> عبارت است از وضعیت محرومان از حق انتخاب شدن است که موارد انتخاب‌ناپذیری در قانون انتخابات شوراهای تحت عنوان شرایط سلبی بیان شده است. برخی از این موارد در قالب انتخاب‌ناپذیری مطلق و برخی دیگر در قالب انتخاب‌ناپذیری نسبی است. انتخاب‌ناپذیری مطلق به دلایل شخصی از قبیل ناشایستگی اخلاقی و اجتماعی است که فرد نمی‌تواند در هیچ‌یک از حوزه‌های انتخابیه و تحت هیچ شرایطی داوطلب شوراهای

۲۶. محمد مظهری، «تأملی بر فرایند انتخابات شوراهای شهر و روستا در ایران و فرانسه»، مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ش ۲ (۱۳۹۵)، ص ۷۲۶.

27. Eligibility

۲۸. جواد تقی‌زاده، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، حقوق اساسی، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵)، ص ۵۸.

29. Ineligibility.

شود؛ اما انتخاب‌ناپذیری نسبی به دلایل شغلی است که فرد نمی‌تواند در حوزه انتخابیه خاصی داوطلب گردد. انتخاب‌ناپذیری مطلق در حقوق انتخاباتی عمدتاً شامل اهلیت اخلاقی و اعتقادی می‌شود که دائمی هستند.<sup>۳۰</sup> انتخاب‌ناپذیری نسبی ملی و محلی هم گسترده است. تعیین شرایط برای انتخاب‌پذیری نوعاً موجب محدودیت در حق انتخاب، رأی همگانی و منحصر کردن حق انتخاب شدن به اشخاص خاص می‌شود که مانع تضمین آزادی انتخاب و محرومیت فرد از حق انتخاب شدن است. اصولاً تعیین این‌گونه شرایط نامزدی نباید به تبعیض یا نابرابری در بین شهروندان منجر شود.<sup>۳۱</sup> با توجه به اینکه بین خدمات انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان تفاوت زیادی وجود دارد، لاجرم دایره محدودیت‌ها نسبت به افرادی که از شایستگی و توانمندی مدیریتی برخوردارند باید کمتر باشد تا راه برای شایسته‌گزینی در انتخابات شوراها فراهم شود.<sup>۳۲</sup>

#### ۴.۱. نظارت بر صلاحیت نامزدی

اکثر نظام‌های سیاسی به‌خاطر ذی‌نفع بودن احزاب و نامزدها در نتیجه انتخابات، به آنان اجازه می‌دهند به طریقی بر فرایند انتخابات نظارت کنند؛ در چنین حالتی به بررسی شرایط قانونی نامزدها از سوی مجریان و ناظران نیازی نیست.<sup>۳۳</sup> معمولاً نهاد ناظر در روند انتخابات ورود نمی‌کند و وظیفه او پس از پایان انتخابات، رسیدگی به شکایت انتخاباتی و اعتراض نامزدها است که چنین سازوکاری در نظام انتخاباتی ما وجود ندارد. در انتخابات شوراها هر فردی با هر شرایط و بدون واسطه احزاب ثبت‌نام می‌کند و وارد رقابت‌های انتخاباتی می‌شود و نهاد ناظر هم در تمامی مراحل انتخابات به‌نوعی ورود پیدا می‌کند.<sup>۳۴</sup> وجود تضاد در سیاست‌اداره کشور و رقابت‌های انتخاباتی غیرحزبی موجب ایجاد مشکل جدی در امور حاکمیتی می‌شود که در این بین امر نظارت بر شرایط قانونی افراد و گروه‌های خاص از

۳۰. جواد تقی‌زاده، «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۴ (۱۳۸۸)، ص ۷۱.

31. International Institute for Democracy and Electoral Assistance International Electoral, Standards Guidelines for Reviewing the Legal Framework, (The OSCE Publication, 2001, IDEA), p. 33.

۳۲. برگرفته از بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، ابلاغی مقام معظم رهبری، سال ۱۳۹۵.

۳۳. حسن خسروی و ایرج حسینی صدرآبادی، «نظارت کارآمد بر انتخابات»، *حقوق اداری*، ش ۳۱ (۱۳۹۶)، ص ۹۵.

۳۴. ماده ۶۵ قانون انتخابات شوراهای اسلامی.

اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نظارت بر انتخابات شوراها طبق قانون انجام می‌شود و قانون‌گذار تلاش کرده است تا کسی بدون موجبات قانونی از حق نامزدی محروم نشود. فلسفه نظارت بر انتخابات در جهت پیشگیری از رقابت‌های ناسالم، جلوگیری از جرم و تخلف و صیانت از آرای مردمی است. نظارت قانونی و بی‌طرفانه بر صلاحیت نامزدها موجب تحکیم نظام مردم‌سالاری و مقبولیت مردمی نهاد شوراها می‌شود.<sup>۳۵</sup> نظارت بر انتخابات شوراها شامل نظارت بر شرایط قانونی نامزدی و نیز نظارت بر چگونگی برگزاری انتخابات است که قانون اساسی در این خصوص ساکت است. ولی قانون موضوعه این نظارت را برعهده نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توان گفت که با مناسبت تحقیق از نظارت بر صلاحیت داوطلبان مجلس شورای اسلامی می‌توان گفت که نظارت در انتخابات شوراها در سطح حوزه‌های انتخابیه و در حیطه هیئت نظارت استانی، شباهت بیشتری به نظارت استتلاعی دارد، اما در حیطه هیئت عالی نظارت، مشابه نظارت استصوابی است که در تمام مراحل و کلیه امور انتخابات شوراها نظارت عام دارد.<sup>۳۷</sup> هیئت اجرایی اولین مرجع قانونی برای رسیدگی بر صلاحیت داوطلبان است که مطابق ماده ۵۰ قانون انتخابات، پس از دریافت مستندات و دلایل مراجع قانونی استعلام، اقدام به تأیید یا رد صلاحیت نامزدها می‌کند. صلاحیت افرادی که در هیئت اجرایی رد می‌شود قطعی نیست. اگر صلاحیت افراد در هیئت اجرایی تأیید شده باشد، مشکلی ندارد و با تأیید هیئت نظارت حوزه انتخابیه معتبر خواهد بود. رسیدگی به شکایت داوطلبان از تصمیمات هیئت اجرایی بخش به‌عهده هیئت نظارت شهرستان، و از تصمیمات هیئت اجرایی شهرستان به‌عهده هیئت نظارت استان می‌باشد و قطعیت احکام رد صلاحیت افراد با هیئت نظارت بر انتخابات است.<sup>۳۸</sup>

با اینکه برخی از شرایط نامزدی در ماده ۳۰ قانون انتخابات از شرایط ایجابی کمی است مانند سن و مدرک تحصیلی که قابل ارزیابی عملی است، اما برخی از آنها ایجابی کیفی و

35. Brahm, Eric, (2004), "Election Monitoring", September, URL, date: 10 June 2020, URL.

۳۶. اصل ۱۰۰ قانون اساسی

۳۷. ماده ۵۶ قانون انتخابات شوراها، اسلامی

۳۸. ماده ۵۱ قانون انتخابات شوراها، اسلامی

غیرقابل ارزیابی عملی هستند و امکان اعمال سلیقه ناظران یا مجریان در آن متصور است<sup>۳۹</sup>؛ است<sup>۳۹</sup>؛ مانند اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه و وفاداری به قانون اساسی که ارزیابی درست آنها در اکثر مواقع با دشواری همراه است و می‌تواند به تضییع حقوق انتخاب‌شوندگان منجر شود. در هر حال، حقوق سیاسی از جمله حق انتخاب شدن شهروند را نمی‌توان با عدم احراز شرایط کیفی و غیرقابل ارزیابی، سلب یا مورد ابهام قرار داد. بنابراین، تحصیل دلیل از طریق کسب اخبار و اطلاعات (تحقیقات محلی) از وضعیت نامزدی جهت بررسی شرایط قانونی آنان در هیئت‌ها از لحاظ اعتبار و ادله قانونی در میان صاحب‌نظران جای بحث و تأمل شده است. تنها گزارش نمی‌تواند ملاک مدرک و سند رد صلاحیت داوطلبی باشد. قانون صراحت دارد که بر اساس مدارک معتبر و مستندات قانونی ثابت شود که نامزد انتخاباتی واجد شرایط قانونی نیست<sup>۴۰</sup> و آنچه از نص قانون انتخابات برداشت می‌شود این است که محمل قانونی این نوع اقدامات با اصل همگانی حق رأی، حق دفاع از اتهامات انتسابی و منطبق حقوقی حاکم بر نظام حقوقی انتخابات تعارض دارد. آنچه در بررسی صلاحیت نامزدها مناسط است، رعایت اصول مسلم قانون است<sup>۴۱</sup> تا حقوق انتخاب‌شوندگان و حق مشارکت عامه مردم بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود تضمین گردد.

در خصوص تشخیص صلاحیت داوطلبی، برداشت متعارف از قانون بیانگر تأیید یا عدم تأیید صلاحیت داوطلبی است<sup>۴۲</sup>:

(الف) احراز صلاحیت یعنی تأیید افراد برای داوطلبی.

(ب) احراز عدم صلاحیت یعنی فرد نمی‌تواند نامزد انتخابات شود و از داوطلبی شوراها

۳۹. جواد تقی‌زاده، پیشین، ص ۷۷.

۴۰. مستنبط از ماده ۵۲ قانون انتخابات شوراها و قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت‌شده در انتخابات مختلف.

۴۱. محمدجواد رضائی‌زاده و محسن، داوری، «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس»، دانش حقوق عمومی، ش ۳۱ (۱۳۹۵)، ص ۱۳۸.

۴۲. با التفات به اصل ۳۷ قانون اساسی، ماده ۲۱ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و تفسیر منطقی از سیاق ماده ۵۱ و تبصره یک ماده ۵۳ قانون انتخابات شوراها اسلامی.

محروم است. از اینکه روش سومی به‌عنوان عدم احراز صلاحیت داوطلبی در برخی ادوار انتخابات شوراهای از سوی هیئت نظارت و احیاناً هیئت اجرایی ملاک عمل قرار گرفته، یک سیاست پیشگیرانه است؛ هرچند نتایجی با معنای متفاوت برای داوطلب مطرح می‌شود، اما از حیث آثار نتیجه، نامزد را از ادامه رقابت انتخاباتی باز می‌دارد و با رد صلاحیت یکسان است. بیشترین مستندات و دلایل آن هم مربوط به تحقیقات محلی است.<sup>۴۳</sup> محمل قانونی تحقیقات محلی مورد اختلاف است اینکه تحصیل دلیل از منابع مردمی محل و مرجع مطمئن و متیقن برای ارزیابی شرایط انتخاب‌پذیری نامزدها نمی‌تواند باشد. در هر صورت، برخورداری از چنین اختیاراتی نیازمند قانون است و اتخاذ تصمیم و آرای با این روش علیه و له داوطلبی در عمل سبب شائبه سیاسی اعضای هیئت، زیر سؤال رفتن نظارت بی‌طرفانه و محرومیت فرد از حق انتخاب شدن می‌شود.<sup>۴۴</sup>

قانون انتخابات، هیئت‌های اجرایی و نظارت را در واقع نماینده گروه و اقشار مختلف جامعه می‌داند که فراتر از نمایندگان سیاسی تصمیم می‌گیرند؛ اما هیئت اجرایی در عمل متأثر از جریان‌ها حاکم در دولت است و هیئت نظارت با نظر هیئت مرکزی نظارت متشکل از نمایندگان منتخب مجلس تشکیل و اداره می‌شود.<sup>۴۵</sup> تنها ناظر نهایی انتخابات شوراهای هیئت مرکزی نظارت است که از آیین رسیدگی تخصصی هم برخوردار نیست و این روش مورد انتقاد است. اساساً رعایت حقوق افراد نتیجه کرامت انسانی آنان است و بند ۶ اصل دوم قانون اساسی با صراحت به آن تأکید کرده است؛ پس اقدام نامتعارف کارگزاران می‌تواند عملکرد آنان را مخالف این اصل قرار دهد. عملکرد خلاف قانون اساسی سبب نقض اصل یادشده و ایجاد مسئولیت برای مجریان و ناظران خواهد بود.<sup>۴۶</sup> بی‌تردید استواری قانون

۴۳. با اینکه مصاحبه مطبوعاتی عضو حقوق‌دان شورای نگهبان با خبرگزاری مهر حاکی از آن است که قانون انتخابات مجلس، بررسی صلاحیت نامزدها را در سه حالت تأیید صلاحیت، احراز صلاحیت و عدم احراز صلاحیت قرار داده است، ولی چنین دلیلی در قانون انتخابات شوراهای دیده نمی‌شود، اما عمل هیئت نظارت یا احیاناً هیئت اجرایی تحقیقات محلی را مستند رد صلاحیت داوطلبان شوراهای قرار می‌دهد. در تاریخ ۱۳۹۸/۶/۳۱ رجوع شد به آدرس پایگاه اطلاع‌رسانی شورای نگهبان: <https://www.shora-gc.ir/fa/news/6185>

۴۴. علی‌اکبر جعفری ندوشن، بررسی تطبیقی کارویژه شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا، (تهران: اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)، ص ۱۲۴.

۴۵. ماده ۵۶ قانون انتخابات شوراهای اسلامی

۴۶. ماده ۱۴ قانون تعیین حدود اختیارات، وظایف و مسؤلیت‌های ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۵.

اساسی بر صیانت از حقوق ملت و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش است. قانون‌گذار می‌تواند با تعمق بر اصل بیستم قانون اساسی، حقوق ملت و سازوکارهای مطمئن سیاست‌های کلی انتخابات، مقرراتی را برای تأمین حقوق داوطلبان، سلامت انتخابات آزاد، بی‌طرفی ناظران و پاسخگو کردن آنان وضع نماید.<sup>۴۷</sup>

## ۲. مبانی حق انتخاب شدن در نظام حقوقی انتخابات شوراها

قانون اساسی محو هرگونه استبداد و خودکامگی قدرت را بدون مشارکت عامه مردم در امور اجتماعی و سیاسی عملی نمی‌داند. دخالت مردم در حاکمیت بر تعیین سرنوشت و مشارکت در اداره امور محلی با اعمال حق رأی کامل آنان در فرایند انتخابات آزاد، رقابتی و عادلانه فراهم می‌شود.<sup>۴۸</sup> محرومیت از حقوق سیاسی تعارض جدی با آزادی‌های اساسی و مشروع فردی و تفوق حقوق ملت در قانون اساسی دارد. در صورت تراحم این حق با مصالح عمومی، قانون‌گذار می‌تواند اقدامات پیشگیرانه‌ای را تحت شرایط متعارف، فنی و قانونی برای جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به نهاد شوراها معین کند و این نوع محرومیت از حق نمایندگی مردم به موجب نص قانون اساسی و با تحقق شرایط مربوطه ممکن خواهد شد. احراز رد و تأیید صلاحیت داوطلبی نیازمند مستند قانونی و دلایل معتبری است<sup>۴۹</sup> و رسیدگی به اعتراض نامزد انتخاباتی با حق دادخواهی در مراجع صلاحیت‌دار انجام می‌گیرد تا به حقوق هیچ فردی تعرض نشود.

بررسی صلاحیت نامزدی در مراجع اجرایی و نظارتی برحسب اصل صحت که یک قاعده حقوقی برگرفته از فقه است می‌باشد؛ یعنی اصل بر صحت و درستی عمل است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.<sup>۵۰</sup> احراز تأیید و عدم صلاحیت نامزدی مطابق با این اصل به نفع حقوق شهروندی خواهد بود تا افراد شایسته و توانمند با احراز عملی شرایط قانونی به شوراها راه یابند و به این ترتیب شوراها متشکل از نمایندگان مسلمان و متخصص خواهند شد.

۴۷. بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۵ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری، سال ۱۳۹۵.

۴۸. بند ۸ اصل‌های ۳، ۶ و ۵۶ قانون اساسی

۴۹. قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف به سال ۱۳۷۸.

۵۰. مصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، (تهران: علوم اسلامی، ۱۳۷۵)، ص ۲۰۷.

صراحت قانون در رسیدگی به صلاحیت نامزدی بر احراز تأیید و رد صلاحیت داوطلبی است<sup>۵۱</sup> و قانون در مورد عدم احراز صلاحیت حکمی بیان نکرده است. با اینکه روش اخیر موجب اختلاف است، اقدام به صدور رأی احراز عدم صلاحیت نامزدی هم نیازمند مستند قانونی، مستدل و مستدرک بودن احکام است. نظام حقوقی انتخابات متأثر از فقه امامیه است و علم اصول فقه در وضع مقررات و صدور احکام نفوذ بالایی دارد. احراز شرایط داوطلبی شوراهای می‌تواند با علم اصول به ابواب حجت شرعیه استوار شود؛ یعنی علمی که در صورت فقدان آگاهی از اماره شرعیه و عقلیه اطمینان‌بخش، به آن استناد گردد و برای اثبات موضوع، احکام تکلیفی و وضعی لازم است که مبنای حقوقی آن، مصرحات قانون است<sup>۵۲</sup>.

ماهیت حق رأی در ایران با نظام‌های دیگر کشورها به‌ویژه غربی‌ها متفاوت و مبتنی بر مردم‌سالاری دینی و مبانی فقه امامیه است. اعمال حق رأی در حاکمیت، توأم با مسئولیت افراد در برابر حقوق اشخاص بوده، با اقتدار و استواری نظام جمهوری اسلامی پیوند خورده است<sup>۵۳</sup>. مسئولیت افراد در تعیین سرنوشت بر اساس اصل اولیه اعتقادی در شریعت اسلام است که خداوند انسان را آزاد آفریده و تنها کسی که بر انسان ولایت دارد، خالق و پرورش‌دهنده اوست و ولایت الهی بر انسان به معنای جبر و تحمیل دین بر او نیست<sup>۵۴</sup>. صیانت از حق رأی، انتخاب افراد شایسته و تحقق پارلمان محلی کارآمد در سایه نظام انتخاباتی قانونمند و عادلانه است<sup>۵۵</sup>. با اینکه نظام انتخاباتی شوراهای در قالب قوانین و مقررات است و چارچوب و ابزاری برای ورود افراد، احزاب و گروه‌ها به انتخابات شوراهای ترسیم شده<sup>۵۶</sup>، اما با کاستی‌هایی همراه است؛ از جمله در انتخابات شوراهای به خواست عمومی، سیاست رقابتی شدن و برنامه‌محور بودن نامزدها توجه چندانی نمی‌شود و شوراهای محلی در اکثر حوزه‌های انتخابیه با سلیقه فردی، طایفه‌ای و گرایش گروهی نمایندگان اداره می‌شوند.

۵۱. برگرفته از ماده ۵۱ و تبصره ۱ ماده ۵۳ قانون انتخابات.

۵۲. ابوالحسن محمدی، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۹، ۱۳۷۵)، صص ۱۸ و ۲۱.

۵۳. محمد هاشمی، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول و مبانی کلی*، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۷، ۱۳۸۷)، صص ۱۰۳ و ۱۰۴.

۵۴. عبدالله جوادی آملی، *حق و تکلیف در اسلام*، (قم: اسراء، ۱۳۹۳)، ص ۸۶.

۵۵. بیژن عباسی و مصطفی جعفری، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و

مالزی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲ (۱۳۹۰)، ص ۱۱۵.

۵۶. ماده ۶۵ قانون انتخابات شوراهای اسلامی



تحقیقات محلی برای تحصیل یا تأمین دلیل با ایرادات حقوقی مختلفی مواجه شده است که گاهی موجب محرومیت فرد از حق انتخاب شدن و یا باعث تأیید و رد صلاحیت‌های پی‌درپی در جریان انتخابات و یا در مراحل بعدی می‌شود. بنابراین گزارش و مدارکی اتهامی خارج از محاکم و مراجع غیررسمی که مستند رد یا عدم احراز شرایطی داوطلبی قرار گیرد، محل قانونی آنها جای بس اشکال دارد. رضایت‌مندی شهروندان برای تأمین حقوق داوطلبان شوراها دارای ضمانت‌های اجرایی لازم در نظام حقوقی انتخابات است و از جمله نقش افکار عمومی در صیانت از حقوق افراد و جلوگیری از نقض اصول قانون اساسی اهمیت زیادی دارد. مردم می‌توانند با امر به معروف و نظارت عمومی بر عملکردها، واکنش نشان دهند و مقامات را به اجرای حقوق ملت در اصول قانون اساسی از طریق سیاست‌های کلی و مقررات‌گذاری وادار نمایند.<sup>۵۷</sup> رسیدگی به شکایات انتخاباتی در برخی کشورها با دادگاه‌های قضایی است اما در ایران به موجب قانون، رسیدگی نهایی با هیئت نظارت است و رسیدگی به جرایم و تخلفات انتخابات در مراجع دادگستری انجام می‌گیرد.

### ۳. مروری بر نظامات تقنینی و رویه‌های اجرایی در تعیین و تشخیص شرایط داوطلبی

وظایف و اختیاراتی که قانون اساسی برای اعضای شوراها معین کرده است به‌نوعی ولایت و سرپرستی بر سرنوشت، مردم تلقی می‌شود و قانون‌گذار سپردن این اختیارات را به افرادی که فاقد صلاحیت قانونی باشند موجه نمی‌داند. قانون انتخابات شوراها شرایط داوطلبی و موارد محرومیت از نمایندگی مردم را بیان کرده، اما برخی از این شرایط به صورت کلی و قابل تفسیر است. ماده ۳۳ قانون انتخابات شوراها در مقام بیان محرومیت‌ها (شرایطی سلبی) است و در صورت احراز هریک از بندهای آن، افراد از نامزدی محروم می‌شوند.

برابر ماده ۵۰ قانون انتخابات، مسئولیت احراز شرایط داوطلبی با هیئت اجرایی است. در

۵۷. علی‌اکبر ترمان، «نقش و جایگاه سند چشم‌انداز در قانون اساسی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش مدیریت راهبردی در تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ج ۴، (تهران: دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۹۱)، ص ۴۴.

صورت نیافتن مدارک معتبر صلاحیت، افراد به علت فقدان دلیل و مدارک معتبر، دارای صلاحیت تلقی شده، صلاحیت آنها برای رقابت انتخابات تأیید خواهد شد.<sup>۵۸</sup> اما در اکثر موارد، صلاحیت داوطلب به علت وجود شرایط کیفی از قبیل اعتقادی، التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه که در واقع مصادیق آنها مشخص نیست وضعیتی را به وجود می‌آورد که هرکسی ممکن است شامل آن شده، صلاحیتش رد یا احراز نگردد. با این همه، اگر قانون‌گذار شرایط اعتقادی و التزام عملی را به صورت واضح و مصداقی بیان کند، می‌تواند به تضمین اعمال حاکمیت بر تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش بینجامد و از برداشت‌های شخصی و سیاسی در مراحل ارزیابی شرایط داوطلبی جلوگیری شود.

در ماده ۴۹ قانون انتخابات، مراجع قانونی استعلام در خصوص سوابق امنیتی، سوء پیشینه، تابعیت و محکومیت کیفری مشخص شده، اما در باب شرایط اعتقادی و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه و ابراز وفاداری به قانون اساسی، مرجع مشخصی در قانون برای اعلام سابقه تعیین نشده یا مراجع چهارگانه<sup>۵۹</sup>، منابع لازم و اختیارات قانونی برای ارائه چنین دلیلی بوده است که اسناد معتبری در این زمینه وجود ندارد. حسب مورد هیئت نظارت و احياناً هیئت اجرایی راساً با شناخت و معرفتی که نسبت به دلایل مکتسبه پیدا می‌کند مرجع تطبیق شرایط قانون با وضعیت داوطلب نقیماً و اثباتاً می‌شود. احراز شرایط کیفی عمدتاً دشوار است و نبود آیین رسیدگی تخصصی بر حق انتخاب شدن و حاکمیت قانون خدشه وارد می‌سازد و به همین سبب برخی منتقدان لزوماً مستندات را تنها محکومیت قضایی اعلام کردند و خارج از آن را غیرقابل قبول می‌دانند، ولی وجود دلیل متیقن بر شرایط ایجابی و فقدان شرایط سلبی که در نزد مراجع رسمی صلاحیت‌دار طبق ترتیبات قانونی به اثبات رسیده باشد، منعی برای بررسی آنها وجود ندارد.<sup>۶۰</sup>

چالش اصلی حق انتخاب شدن، ارزیابی عملی احراز صلاحیت داوطلب با شرایط کیفی

۵۸. علی‌اکبر جعفری ندوشن، پیشین، ص ۱۴۵.

۵۹. مراجع چهارگانه استعلام عبارت است از: قوه قضاییه، نیروی انتظامی، وزارت اطلاعات و سازمان ثبت احوال، که هیئت اجرایی مطابق ماده ۴۹ قانون انتخابات شوراهای اسلامی کشور موظف است برای احراز شرایط قانونی هریک از داوطلبان شورای شهر حسب مورد از مراجع یادشده استعلام نماید.

۶۰. قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف به سال ۱۳۷۸.

است که کدام عمل و رفتار، چگونه و چه اندازه آن مد نظر قانون گذار در باب تقید و ترک محرمات و وفاداری است. شایان ذکر است که میزان و شاخص‌های تشخیص اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه، ابراز وفاداری به قانون اساسی و یا ابراز اختلاف نظر با ولایت فقیه در بین صاحب‌نظران از موارد اختلافی بوده، بحث آن خارج از این تحقیق است. اما سؤال این است که حدود تقید به احکام اسلامی و عمل به فرایض دینی در شئون اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا تا چه حد ضروری است که خود جای بحث دارد. ولی قانون گذار برحسب بندهای ۱ و ۳-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری می‌تواند شرایط انتخاب‌پذیری را به‌صورت واقعی و منطقی معین کند. تعیین و تشخیص شرایط قانونی داوطلبان اعضای شوراهای اسلامی با مجلس شورای اسلامی است. بررسی محدودیت‌های حق انتخاب‌پذیری اعضای شوراهای اسلامی در بندهایی از مواد ۳۰، ۳۲ و ۳۳ قانون انتخابات شوراهای آمده است که لازم می‌آید در دو مبحث جداگانه به‌عنوان شرایط انتخاب‌پذیری ایجابی و سلبی بررسی شود.

### ۳.۱. شرایط محدودکننده (ایجابی یا محرومیت نسبی)

از شروطی که بیشتر مورد بحث قرار گرفته، اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه و ابراز وفاداری به قانون اساسی است.<sup>۶۱</sup> فرد در صورت نداشتن شرایط ایجابی از داوطلب شدن محروم می‌شود و این نوع محرومیت از حقوق اجتماعی به‌مثابه مجازات تبعی یا تکمیلی است<sup>۶۲</sup> که برای مدت معینی با رفع آن موانع به‌وجود می‌آید تا اینکه به‌عنوان محرومیت نسبی از بین برود. قانون گذار در سابقه محکومیت کیفری، پس از گذشت مدتی از اجرای احکام کیفری اجازه شرکت در فعالیت اجتماعی از جمله حق انتخاب شدن را به فرد می‌دهد<sup>۶۳</sup>، اما فقدان هریک از شرایط اعتقادی و اهلیت اخلاقی موجب ایجاد محرومیت مطلق برای فرد خواهد بود و منطبق حقوقی ایجاب می‌کند این‌گونه شرایط به صورت کمی و مصداقی باشند؛ چنان که برخی از شرایط کمی برای جلوگیری از ورود افراد ناشایست و

۶۱ بندهای «ج» و «د» ماده ۳۰ قانون انتخابات شوراهای اسلامی

۶۲ پرویز صانی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، ج ۲، ۱۳۷۲)، ص ۲۱۴.

۶۳ ماده ۶۲ مکرر قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک ماده و یک تبصره به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷.

ناکارآمد و یا تخصصی‌تر شدن اعضای شوراها وضع شده است، مانند قرار دادن وثیقه و یا دریافت امضا از تعدادی از شهروندان<sup>۶۴</sup>.

### ۳.۱.۱. شرایط اعتقادی و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه فقیه (بند «ج» ماده ۳۰ قانون انتخابات)

نظام سیاسی تحت عنوان جمهوری اسلامی تعریف شده است تا حاکمیت اسلام در تمام شئون جامعه پذیرفته شود و مطابق اصل دوم قانون اساسی، کارگزاران نظام باید به این اصول یعنی اسلام و نظام سیاسی اعتقاد داشته باشند. مبنای نظام همان اعتقادات مذهب شیعه است، مگر اقلیت‌های دینی که در دین خود و اهل سنت به مذهب خود ثابت‌العقیده باشند<sup>۶۵</sup>. اطاعت از احکام نظام حکومتی (حکم حکومتی ولی فقیه)<sup>۶۶</sup>، نشانگر التزام عملی به ولایت فقیه است و اعمال خلاف مصالح و منافع نظام و کشور به‌عنوان عدم التزام به ولایت فقیه محسوب می‌شود<sup>۶۷</sup>. بی‌شک تنها ملاک قانونی در انتخاب‌ناپذیری افراد، تشخیص شرایطی است که قابل ارزیابی عملیاتی باشد و شرایط سلبی متناسب با مقتضیات و جایگاه نهاد شوراها مورد پذیرش افکار عمومی (ضرورتی برای سلب صلاحیت افراد از تصدی نهادهای محلی) قرار گیرد؛ یعنی مصادیق و میزان ارزش حقیقی افعال و رفتار داوطلب با شرایط قانونی به‌طور وضوح تبیین گردد و در غیر این صورت، مجریان و ناظران در اجرای مقررات ملزم به ارزیابی شرایط و تصمیم‌گیری نسبت به انطباق یا عدم انطباق وضعیت داوطلب با شرایط کیفی می‌شوند<sup>۶۸</sup>.

۶۴. بیژن عباسی، حقوق اساسی تطبیقی، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۴)، ص ۴۱.

۶۵. تبصره یک مکرر ماده ۳۰ قانون انتخابات شوراهای اسلامی

۶۶. تدبیر و مدیریت کلان کشور نیاز به اتخاذ تصمیمات راهبردی دارد؛ مقولات مهم و تأثیرگذار امور کشور را نمی‌توان با فرار و نشیب آرا و سلیقه‌ها گوناگون اداره کرد و مسائل اساسی کشور نیازمند مصلحت‌سنجی و کارشناسی است. این نوع تصمیمات راهبردی به‌عنوان سیاست‌های کلی نظام و فرامین مقام رهبری در اصل ۱۱۰ قانون اساسی بیان شده است. (علی‌اکبر ترمان، بررسی نقش و جایگاه سند چشم‌انداز در نظام حقوقی ایران، دانشگاه تبریز، (۱۳۹۰)، ص ۳۵.

۶۷. حسن ممدوحی، در پاسخ مقام معظم رهبری به استفتای التزام به ولایت فقیه و قوانین، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، به تاریخ ۱۴۰۰/۰۱/۲۰ مراجعه شد به آدرس: <https://farsi.khamenei.ir/others-page?id=9796>

۶۸. اسداله یآوری، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، تحقیقات حقوقی، ش ۸۰ (۱۳۹۶)، ص ۲۲۶.

**۳.۱.۲. شرط ابراز وفاداری به قانون اساسی** (بند «د» ماده ۳۰ قانون انتخابات)

قانون اساسی اداره امور محلی اعم از شهر و روستا را به نمایندگان منتخب مردم محل واگذار کرده است تا طبق قانون نسبت به توسعه و حل مشکل منطقه اقدام کنند. عدم پایبندی و درست عمل نکردن به مفاد قانون موجب مناقشه در اجتماع می‌شود. اگر کارگزاران و نمایندگان به قواعد قانون اساسی معتقد نباشند و این در رفتار آنها منعکس گردد، قانون اساسی دیگر پایدار نخواهد ماند. این تفکر پذیرفته نیست که فردی به‌عنوان عضو شورای اسلامی قسم یاد کند که متعهد به رعایت قانون اساسی است<sup>۶۹</sup>، اما پایبندی به آن نداشته باشد. از منظر قانون، مناط ابراز وفاداری به قانون اساسی و اعتقاد به میانی نظام می‌تواند اظهار، اعلام و یا از هر طریق دیگری باشد که به صورت مستند از سوی داوطلب بیان شده باشد<sup>۷۰</sup> و اعتبار آن تا زمانی است که ایراد قانونی بر آن وارد نباشد.

**۳.۱.۳. شرط تابعیت** (بند «الف» ماده ۳۰ قانون)

بر اساس ماده ۹۸۲ قانون مدنی، کسانی که تابعیت اکتسابی ایران را تحصیل کرده‌اند از کلیه حقوقی که برای ایرانیان مقرر شده است بهره‌مند می‌شوند، اما نمی‌توانند به عضویت شوراهای نایل آیند. با توجه به توسعه روزافزون جهانی، کم‌رنگ شدن مرزهای فیزیکی و وجود اشتراکات فرهنگی و اقتصادی ملت‌ها، محروم کردن نخبگان سیاسی که دارای توانمندی خاص و تابعیت اکتسابی باشند منطقی به نظر نمی‌رسد. قانون‌گذار می‌تواند بر اساس اصل شایسته‌گزینی تحت شرایطی کشور را از این امتیازات منتفع سازد<sup>۷۱</sup>.

**۳.۱.۴. مقام و شغل** (ماده ۳۲ قانون)

برخی از مقامات و مشاغل از انتخاب شدن محروم هستند و این محدودیت در راستای حفظ استقلال قوا، پرهیز از فشار قدرت دولتمردان بر نمایندگان مردم و انتخابات آزادانه است که مقرر می‌دارد، مقامات اداری و قضایی بعد از استعفا از سمت خود در صورت واجد

۶۹. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی تشکیلات، انتخابات داخلی و امور مالی شوراهای اسلامی شهرها.

۷۰. مستفاد از تبصره ۴ ماده ۲۷ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس مصوب ۱۳۷۸.

۷۱. محمدرضا ضیائی بیگدلی، *اسلام و حقوق بین‌الملل* (تهران: گنج دانش، چ ۹، ۱۳۸۹)، ص ۶۴.

شرایط بودن در انتخابات شرکت نمایند. دایرهٔ انتخاب‌ناپذیران نسبی بسیار گسترده است، ولی بر اساس بندهای ۴-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، باید فهرست مقامات و مشاغل انتخاب‌ناپذیر به‌گونه‌ای تنظیم شود که عرصهٔ خدمتگزاری برای افراد شایسته و توانمند تنگ نگردد.

برخی شرایط انتخاب‌پذیری مادهٔ ۳۰ قانون انتخابات از قبیل بندهای «ج» و «د»، نیازمند بازتعریف ملاک و معیارهای آن است که به علت نبود معیار متناسب با مقتضیات و شاخص‌های دقیق، شرایط داوطلبی سبب محدودیت بر حق انتخاب شدن شهروند در مناصب انتخابی شوراها و مشاهدهٔ تأیید یا ردّ پی‌درپی داوطلبان در هیئت‌ها می‌شود.

### ۲.۳. مقررات محرومیت از داوطلبی (سلبی یا محرومیت مطلق)

عضویت در شوراها حق عمومی افراد است که مردم حق حاکمیت خویش را از طریق نمایندگان منتخب خود اعمال می‌کنند. محروم کردن افراد از این حق مستلزم تجویز قانون است و حذف افراد از حق انتخاب شدن، بدون رعایت قانون جای بسی اشکال است. اینک در مادهٔ ۳۳ قانون انتخابات، شرایط سلبی داوطلبان انتخابات شوراها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۲.۳.۱. وابستگی سیاسی به گروه‌های غیرقانونی (بند «ج» مادهٔ ۳۳ قانون)

بر اساس اصل ۲۶ قانون اساسی، گروه‌های سیاسی آزادند و ادامهٔ فعالیت آنها مشروط بر این است که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. اشخاص، احزاب و گروه‌های سیاسی برای انتخاب شدن آزاد هستند. چنانچه مرتکب تخلف و جرایمی هم شده باشند، تا محکومیت و فعالیت آنان از مصادیق محرومیت حقوق اجتماعی موردنظر قانون‌گذار برای انتخاب‌ناپذیری نباشد، می‌توانند در انتخابات به‌عنوان انتخاب‌شونده حضور یافته، در معرض انتخاب مردم قرار گیرند. هیچ‌کس به علت ویژگی شخصیتی، فعالیت سیاسی یا مخالفت و انتقاد با سیاست و برنامه‌های دولت از انتخاب شدن محروم نمی‌شود. اما افرادی که به گروه و جریان غیرقانونی وابسته یا از آنان طرف‌داری کرده باشند از انتخاب شدن محروم هستند.

### ۲.۲.۳. محکومان دادگاهها (بند «د»، «ه»، «و» ماده ۳۳ قانون) و محکومان به حدود شرعی (بند «و» ماده ۳۳ قانون)

کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی محکوم شده باشند یا افرادی که به حکم مقامات صالحه محکوم به ارتداد شده‌اند محروم از انتخاب‌پذیری هستند. در خصوص ارتداد که به معنی خروج از دین یا طغیان و عصیان است، مجازات آن در قرآن قتل (سلب حیات) است<sup>۷۲</sup>، ولی در قانون مجازات اسلامی مجازات خاصی با این عنوان تعیین نشده است.

اگر بنا باشد به دلیل ارتکاب جرمی بر شخصی حد جاری شود و او قبل از اثبات جرمش در دادگاه توبه نماید، با یک سری شرایط حد از وی ساقط می‌شود. این توبه مربوط به قبل از صدور حکم در دادگاه می‌شود، ولی در این موضوع قانون‌گذار توبه بعد از حکم محکومیت را لحاظ کرده است و با اینکه توبه یک امر قلبی است که بیشتر به نیت برمی‌گردد و تنها مواردی که در توبه می‌تواند باشد همان حدود است که کلمه‌ای را بر زبان می‌آورد و به‌نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار هم این باشد که توبه زبانی افراد هم مورد قبول است و همین‌که ثابت شود فرد از گناه برگشته و پشیمان شده و حالا به راه حق برگشته است، توبه افراد نزد حاکم پذیرفته خواهد شد. با التفات به ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نظریات فقهی پیرامون آن، توبه از معاذیر قانونی معاف از مجازات است و افراد را از محرومیت خارج می‌نماید. بنابراین، توبه فرد قبل از صدور حکم او را انتخاب‌پذیر می‌کند، ولی پس از صدور حکم براساس نظریه مشورتی قوه قضاییه به‌نظر می‌رسد این امر امکان‌پذیر نباشد<sup>۷۳</sup>.

۷۲. پرویز صانعی، پیشین، ص ۹۵.

۷۳. برحسب نظریه مشورتی شماره ۱۸۸۵/۹۹/۷ به تاریخ ۱۴۰۰/۲/۷ اداره کل حقوقی قوه قضاییه محکومیت دائمی از حقوق اجتماعی امری استثنایی است، اما با توجه به تصریح قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، با لحاظ بند «الف» ماده یادشده محرومیت دائمی شامل اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز می‌شود. ماده ۳۳ قانون انتخابات شوراهای محکوم به حکم مراجع صالح قضایی اشاره کرده است که محکومیت اشخاص در محاکم و مراجع صالح قضایی موجب تسری محرومیت‌های ماده ۳۳ قانون مذکور است و محکومیت‌های هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری سبب محرومیت افراد از داوطلبی عضویت شوراهای در چارچوب ماده ۳۳ نخواهد شد. طبق بندهایی از ماده ۳۳ قانون مورد بحث، صرف محکومیت (محکومیت قطعی) به جرایم موضوع این بندها موجب محرومیت از داوطلب شدن برای عضویت در شوراهای اسلامی است.

### ۳.۲.۳. مشهوران به فساد و متهمان به مواد مخدر (بند «ح» و «ط» ماده ۳۳ قانون)

کرامت انسانی در قانون اساسی از جایگاه خاصی برخوردار است. انتخاب حاکمان و دخالت در امور اجتماعی و سیاسی از سوی مردم، احترام نهادن بر ارزش و کرامت انسانی و نیز برخورداری از حقوق یکسان و برابر است.<sup>۷۴</sup> قانون گذار می‌کوشد افرادی که سابقه سوء شهرت در محل و اشتهار به فسق و فجور دارند به شوراها راه نیابند. معیار احراز شهرت به فسق یا سوء شهرت در آن حدی است که به جرم منتهی نشود و حکم قطعی کیفری قابل مجازات برای شخص مورد نظر اعلام نشده باشد.<sup>۷۵</sup>

قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به این مواد نیز طبق بند «ط» ماده ۳۳ قانون، حق انتخاب شدن ندارند. با اعلام گزارش سابقه در این زمینه از سوی ضابطان ذیصلاح و احراز هیئت‌ها، این موضوع موجب محرومیت افراد از داوطلبی خواهد شد. صرف گزارش سابقه مراجع انتظامی، اثبات اتهام در خارج از محاکم و نداشتن محکومیت، برای سلب حق نامزدی افراد صحیح به نظر نمی‌رسد. برای جلوگیری از تشدید تأثیر قضاوت سلیقه‌ای در رد صلاحیت نامزدی و تعرض به حقوق فردی، معمولاً شرایط انتخاب‌ناپذیری شهروندان به مناصب انتخابی شوراها باید تعریف شود و با ابزار عینی احراز گردد.

### نتیجه

قانون اساسی حق رأی را برای همه افراد ملت در انتخابات شوراها، اسلامی کشور به رسمیت شناخته است. مردم حق دارند برای تصدی مناصب انتخابی شوراها نامزد شوند و سایر مردم هم می‌توانند به او رأی دهند. شرایط انتخاب‌پذیری با رعایت حقوق داوطلبی از حیث راهیابی افراد شایسته و جلوگیری از ورود افراد فاقد صلاحیت به نهاد شوراها در اجرای حاکمیت قانون معین می‌شود. این نوع شرایط فنی و قانونی در جامعه لازم می‌آید، اما نمی‌تواند برخلاف قانون اساسی و معیارهای شناخته‌شده حقوق سیاسی و مدنی شهروندان باشد. نظارت بر شرایط قانونی با نمایندگان مجلس شورای اسلامی است و کسی را نمی‌توان

74. Gorge Brenkert, *Political Freedom*, (London and New York: Routledge Press, 1991), p. 3.

75. احمد حبیب‌نژاد، «شرایط انتخاب‌شوندگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوق اساسی با نگاه تطبیقی»، علوم سیاسی، ش ۵۵ (۱۳۹۰)، ص ۱۱۰.



بدون مستند قانون و دلایل معتبری از حق انتخاب شدن محروم کرد. برداشت متعارف از قانون انتخابات، احراز تأیید و عدم تأیید صلاحیت افراد است. محل قانونی تحقیقات محلی برای تحصیل دلیل، کسب گزارش و اثبات اتهام در خارج از محاکم که مستند رد یا عدم احراز صلاحیت داوطلبی باشد جای بسی اشکال است. مسئولیت و اختیارات حاصله از قانون نیازمند اعتقاد راسخ کارگزار بر اجرای صحیح مفاد آن است. پایداری و کارآمدی قانون اساسی در گرو ارتباط با اصل و خاستگاه آن، حقوق افراد، حاکمیت بر تعیین سرنوشت و مشارکت عامه مردم در اداره امور محلی است و در صورت عمل نکردن به اصول آن، مسئولیت‌ها متوجه اشخاص خواهد بود.

مهم‌ترین مسائل و موانع انتخاب‌پذیری شهروندان به علت نبود معیار و شاخص دقیق شرایط داوطلبی، عدم ارائه دلیل اتهامات انتسابی، وجود برخی تفاوت‌ها در روش‌های ارزیابی و احراز عملی صلاحیت‌ها، ناکافی بودن مهلت رسیدگی به اعتراضات و عدم دسترسی مؤثر کلیه داوطلبان به مراجع تجدیدنظر استانی و هیئت مرکزی برای دفاع از اتهامات وارده است. عمده اختلاف حقوقی موجود مربوط به تفاسیر از نص یا مرّ قانون است و راه‌حل آن با توجه به پیشنهاد‌های ارائه شده در این تحقیق، جز با اصلاح قانون انتخابات برای کارآمدی و شفافیت در شرایط واقعی انتخاب‌پذیری و روش احراز عملی صلاحیت نامزدی نیست. تحقیقاً حق حاکمیت بر تعیین سرنوشت و حق مشارکت عامه مردم در اداره امور محلی از حقوق اساسی هر شهروندی است و با وضع شرایط غیرقابل ارزیابی و اتخاذ روش رسیدگی غیرمنصفانه، این حق از کسی سلب نمی‌شود. فراهم کردن زمینه ورود افراد شایسته و توانمند مدیریتی به جرگه خدمتگزاری از مسئولیت‌های قانون‌گذار است.

رهیافت و راهکار برون‌رفت از وضعیت موجود، نخست، نیازمند بازتعریف و بیان حقیقی معیارها و تعیین دقیق شاخص‌های شرایط انتخاب‌پذیری است. میزان ارزش حقیقی افعال و رفتار داوطلب نسبت به تقید به احکام اسلامی و عمل به فرایض دینی، اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه و نحوه ابراز وفاداری به قانون اساسی و تدوین آیین رسیدگی تخصصی (قواعد روش احراز تأیید و رد صلاحیت و بررسی اعتراض نامزدی) با محوریت حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات و اصول حقوقی رسیدگی عادلانه است که

می‌تواند به رفع ابهام از انتخاب‌پذیری شهروندان، تقویت حق حاکمیت بر تعیین سرنوشت (حق رأی مردم) و توسعه حق مشارکت عامه مردم در اداره امور محلی بینجامد.

دوم، رسیدگی به صلاحیت و اعتراض داوطلبان با روش رسیدگی حقوقی در حضور شاکی یا نماینده قانونی و وکیل وی انجام‌پذیرد و در صورت لزوم از افراد اعاده حیثیت شود.

سوم، رفع موانع کارآمدی و نهادینه شدن احزاب در جامعه می‌تواند افراد سرشناس، متخصص و متعهد را با برنامه و عملکرد شفاف برای داوطلبی شوراها معرفی کند و از طرف دیگر، زمینه نظارت کاربردی، کاهش تعدد کاندیداهای فاقد شرایط و افزایش قدرت تشخیص مردم را فراهم سازد. در نهایت، موارد محرومیت از انتخاب‌پذیری شهروندان در انتخابات شوراها به احکام و ترتیبات قانون اساسی منحصر است.

## منابع و مأخذ

## الف) منابع فارسی

## - کتابها

۱. جعفری ندوشن، علی اکبر، بررسی تطبیقی کار ویژه شورای نگهبان در ایران، فرانسه و آمریکا، (تهران: اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵).
۲. جوادی آملی، عبدالله، حق و تکلیف در اسلام، (قم: اسراء، ۱۳۹۳).
۳. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۷۲).
۴. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، اسلام و حقوق بین الملل (تهران: گنج دانش، چ ۹، ۱۳۸۹).
۵. عباسی، بیژن، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۰).
۶. عباسی، بیژن، حقوق اساسی تطبیقی، (تهران: دادگستر، ۱۳۹۴).
۷. قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، (تهران: میزان، چ ۱۴، ۱۳۹۵).
۸. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوق عمومی، (تهران: دادگستر، ۱۳۷۷).
۹. گودوین گیل، گای اس، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین المللی، ترجمه قاسم زمانی و جمال سیفی، (تهران: دانش، چ ۱، ۱۳۷۹).
۱۰. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، (تهران: علوم اسلامی، ۱۳۷۵).
۱۱. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، (تهران: دانشگاه تهران، چ ۹، ۱۳۷۵).
۱۲. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول و مبانی کلی، ج ۱، (تهران: میزان، چ ۷، ۱۳۸۷).
۱۳. هاشمی محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول و مبانی کلی، ج ۲، (تهران: میزان، چ ۲، ۱۳۸۹).

## - مقاله‌ها

۱۴. ترمان، علی اکبر، «نقش و جایگاه سند چشم انداز در قانون اساسی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقش مدیریت راهبردی در تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ج ۴، (تهران: دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۹۱).
۱۵. تقی‌زاده، جواد، «تأملی بر حق رأی در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، حقوق اساسی، ش ۱، (۱۳۸۲).

۱۶. تقی‌زاده، جواد، «شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی»، *حقوق اساسی*، ش ۶ و ۷ (۱۳۸۵).
۱۷. تقی‌زاده، جواد، «انتخاب‌ناپذیری در حقوق انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی محلی با نگاهی به حقوق فرانسه»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۴ (۱۳۸۸).
۱۸. تقی‌زاده، جواد، «ویژگی‌های رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه»، *نامه مفید*، ش ۹۱ (۱۳۹۱).
۱۹. حبیب‌نژاد، احمد، «شرایط انتخاب‌شوندگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در نظام حقوق اساسی با نگاه تطبیقی»، *علوم سیاسی*، ش ۵۵ (۱۳۹۰).
۲۰. حیدری علیجان و نوروزی محمدجواد، «مبانی فقهی مشارکت سیاسی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *اندیشه‌های حقوق عمومی*، ش ۱۰ (۱۳۹۵).
۲۱. خسروی، حسن و حسینی صدراآبادی، ایرج، «نظارت کارآمد بر انتخابات»، *حقوق اداری*، ش ۳۱ (۱۳۹۶).
۲۲. رضائی‌زاده، محمدجواد و کاظمی، داود، «بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۵ (۱۳۹۱).
۲۳. رضائی‌زاده، محمدجواد و داوری، محسن، «مبانی و اصول تشخیص صلاحیت نمایندگی مجلس»، *دانش حقوق عمومی*، ش ۳۱ (۱۳۹۵).
۲۴. صالحی امیری، رضا و همکاران علمی، «شوراها: چالش‌ها و کارکردها»، *بزه‌شناسانه، تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام*، ش ۳۰ (۱۳۸۷).
۲۵. عالی‌پور، حسین، «نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، ش ۳ (۱۳۹۴).
۲۶. عباسی، بیژن و جعفری، مصطفی، «بررسی تطبیقی شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان در نظام انتخاباتی مجالس ایران و مالزی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲ (۱۳۹۰).
۲۷. محمدی، قاسم و سلیمانی درچه، محمد، «ابعاد حقوقی اعمال حق رأی در نظام حقوقی ایران»، *حقوق عمومی*، ش ۲ (۱۳۹۲).
۲۸. مظهری، محمد، «تأملی بر فرایند انتخابات شوراهای شهر و روستا در ایران و فرانسه»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۲ (۱۳۹۵).

۲۹. ویژه، محمدرضا و قهوه‌چیان، حمید، «تحلیلی بر نظام‌نامه انتخابات سال ۱۳۸۵ مجلس شورای ملی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر*، ش ۵ (۱۳۹۱).
۳۰. یاور، اسداله، «بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط شورای نگهبان: تأملی دیگر»، *تحقیقات حقوقی*، ش ۸۰ (۱۳۹۶).

#### – پایان‌نامه

۳۱. ترمان، علی‌اکبر، *بررسی نقش و جایگاه سند چشم‌انداز در نظام حقوقی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه تبریز، (۱۳۹۰).

#### ب) منابع انگلیسی

32. Brahm, Eric, (2004), "Election Monitoring", September, URL: Date: 10 June 2020, [https://www.beyondintractability.org/essay/election\\_monitoring](https://www.beyondintractability.org/essay/election_monitoring).
33. Brenkert, Gorge. G, *Political Freedom*, (London: Routledge Press, 1991).
34. International Institute for Democracy and Electoral Assistance International Electoral, Standards Guidelines for Reviewing the Legal Framework, (The OSCE Publication, 2001, IDEA). <https://www.idea.int/sites/default/files/publications/international-electoral-standards-guidelines-for-reviewing-the-legal-framework-of-elections.pdf>.